

ونزولا: جدال دو جنبش بورژوازی بر سر قدرت جدال بولیوارسیم و نیولیبرالیسم

محمد آستگران

بولیوارسیم در ونزولا امتحانش را پس داد و محکوم به شکست است. بولیوارسیم یا چاوزیسم جنبشی ضد امریالیستی تحت عنوان چپ اما تا مغز استخوان عقب مانده و ضد مارکسیستی است. این سیستم نوعی از سیستم سرمایه داری دولتی را در ونزولا بنا نهاد که اکنون تماما به بن بست رسیده است. این سیستم نه توان رشد اقتصاد را داشته و نه توان و تمایلی به برقراری آزادی و حقوق انسانی را، مردم علیه فقر و بحران و ناداری و برای آزادی به خیابان آمده اند.

در مقابل این حکومت عقب مانده و پوپولیستی که با رویکردی "ضد امریالیستی" که خاص تمام جنبشهای چپ عقب مانده و سنتی است، جنبش اعتراضی بر حق مردم ونزولا پا به میدان گذاشته و میخواهد از شر این جریان خلاص شود. اما امروز نیرویی بر موج مبارزات بر حق مردم سوار شده است که به همان اندازه و حتی بیشتر از سیستم بولیوارسیم موجود ارتجاعی و بیرحم است.

مردم معترض ونزولا متأسفانه تا امروز به نیرویی دخیل بسته اند که نه توان حل مشکلات فعلی را دارد و نه توان برقراری آزادی و رفاه مورد انتظار جامعه را. اگر سیستم حاکم فعلی زندگی مردم ونزولا را به خاک سیاه نشانده است اپوزیسیونی که بر موج اعتراض بر حق مردم سوار شده است فقط میتواند این شرایط را سخت تر کند.

متأسفانه نه پوزیسیون و نه اپوزیسیون مطرح در ونزولا مردم و آرزوهایشان را نمایندگی نمیکند. دفاع از هر کدام از طرفین این جدال فعلی دفاع از سرمایه داری دولتی یا سرمایه داری بازار آزاد است. اما دفاع از مبارزات بر حق مردم گرسنه و تشنه آزادی برای اینکه سرنوشت شان را خودشان بتوانند بدست بگیرند وظیفه هر جریان و انسان کمونیست و آزادیخواهی است. صفحه ۲

دستگیری جعفر عظیم زاده و پروین محمدی را محکوم میکنیم

صفحه ۷

حزب کمونیست کارگری ایران



ایسکرا میپرسد: بمناسبت هشت مارس روز جهانی زن

صفحه ۲

نسان نودینیان پاسخ میدهد

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۳

عزیزه لطفی

بیانیه کنفرانس نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

سرنگونی جمهوری اسلامی

و استقرار حاکمیت شورایی وظیفه فوری ما است.

صفحه ۴

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری پیرامون بحران در ونزولا ونزولا به کدام سو میرود؟

صفحه ۵

یادداشت‌های هفته: نقطه عطف، انقلاب سوسیالیستی در ایران است

عبدال گلپریان

شبح مارکس بر صدا و سیما

شاهزاده ای عصبانی در حسرت تاج و تخت

صفحه ۶

اطلاعیه های حزب

- *دستگیری اعضای تحریریه نشریه گام را محکوم میکنیم
- *بازداشت اعضای کانون نویسندگان محکوم است
- *دستگیری محمد خنیفر از نیشکر هفت تپه را محکوم میکنیم
- *استفان اسمیت دبیر کل اتحادیه کارگران دولتی و خدمات در کانادا خواستار آزادی اسماعیل بخشی و پایان دادن به خشونت علیه همه کارگران شد

صفحه ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ایسکرا میپرسد: بمناسبت هشت مارس روز جهانی زن نسان نودینیان پاسخ میدهد



منتشر کنیم.

در يك كلام ما باید ۸ مارس امسال را متفاوت با کاراکترهای جنبش سوسیالیستی تجربه کنیم. باید تلاش کنیم صفی وسیع و گسترده از زنان جنبش آزادیخواهی و برابری طلب را حول برنامه های عملی سازماندهی کنیم. و برای ما کمیته کردستان مهمترین و عاجلترین عرصه سازماندهی جنبش نوین زنان آزادیخواه و برابری طلب در کردستان است که سخنگویان سازماندهی حاکمیت شورایی هستند که رهبر و لیدر جامعه هستند و در يك کلام جنبش زنان آزادیخواه را نمایندگی و فضای اعتراضی جامعه را میتواند تحت تاثیر خود قرار دهند.



از صفحه ۱ ونزولا: جدال دو جنبش...

از حق اعتراض مردم و آزادی و رفاه مردم ونزولا دفاع کنند و خواهان انتخاباتی آزاد باشند که شهروندان آن جامعه بتوانند سرنوشت خود را خودشان رقم بزنند. باید امیدوار بود که نیرویی چپ و کمونیست مدرن و مدافع حقوق انسانی و ضد سرمایه داری با اتکا به طبقه کارگر این جامعه بتواند عروج کند و جامعه را از این شرایط سخت نجات بدهد.

به نمایش گذاشته است. در قوانین جمهوری اسلامی زن جزو اموال و دارائی مرد است. در مناسبات تولیدی کار و در عرصه کارخانه این زنان شاغل و کارگر و کارمند هستند که مورد هجوم بیکاری قرار دارند. با فرستادن آنها به خانه جزو گردان نیروی کار بیکار محسوب نمیشوند. وظایف "خطیر" آنها نگهداری از "خانواده" در "مالکیت" مرد و سرمایه تعریف میشود! این فرهنگ فاشیسم اسلامی است. مردسالاری و ارتجاع محض است. هشت مارس روز جهانی زن بحکم شرایط ایژکتیو مبارزاتی و حضور فعال و موثر زنان در اعتراضات میتواند عرصه ای از مبارزه علیه زن ستیزی و آپارتاید جنسی تعریف شود.

ما بعنوان کمیته کردستان حزب باید تلاش کنیم، سند ریزتر و نکات اثباتی عینی تر در ارتباط با ۸ مارس را تدوین و بشکل علنی

تاکید و تکرار مکرر نسخه های تاکتونی و ردیف کردن چند خال از فعالیتها برای تدارک ۸ مارس خوب و مثبت است، اما فکر نکنم کارساز باشند. فعالیتهای تاکتونی رو بجلو نیستند و راضی شدن به وضع موجود است و جهش و شیوه کار نوینی را ایجاد نمیکند. صف بندی های سیاسی و بویژه صف زنان آزادیخواه و سوسیالیست و کمونیستها را متمایز نمیکند. جنبش نوین اعتراضی زنان در دی ماه با حضورشان در صدها اعتراض، در مبارزات کارگران در فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه، در بمیدان آمدن زنان خیابان انقلاب شروع شده. زمینه واقعی و ایژکتیوی پیدا کرده است. زنان در اعتراضات نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز پیگیرانه و با حضورشان، جنبش نوین زنان آزادیخواه و برابری طلب را تثبیت کردند.

جنبش زنان آزادیخواه در کردستان در شرایط کنونی به صفی متمایز از زنان سوسیالیست با کاراکتر علنی نیاز مبرمی دارد. کم نیستند تعداد زنانیکه سوسیالیست هستند، باورهای کمونیستی و مارکسیستی دارند. تحولات سیلسی پیشارو با حضور این صف از زنان آزادخواه و سوسیالیست برای امر سازماندهی شوراها و اداره جامعه تامین میشود.

در کردستان ما باید تلاش کنیم، صف این جنبش نوین زنان را شکل دهیم. و این امری است که باید توسط صدها نفر از زنان سوسیالیست و آزادیخواه در کردستان، ایجاد شود. سازماندهی مراسم های ۸ مارس امسال به نظر من باید در پرتو پیشروی های طبقاتی و سیاسی کمونیسم و بویژه حزب کمونیست کارگری ایران، تعریف شود.

نزدیک به چهار دهه است که در سلطه و حاکمیت فاشیسم اسلامی (نظامی به اسم حکومت اسلامی)، زنان در موقعیت فاجعه باری قرار گرفته اند. احکام زندان، شکنجه، تجاوز، اعدام و سنگسار در کنار ازدواج کودکان که از صدها هزار مورد فراتر است، چهره سیاه و آپارتاید جنسی اسلامی این نظام را

در کردستان با سرکوب خونین حکومت اسلامی در روزهای اول بقدرت رسیدنش روبرو شد. حکومت اسلامی اولین سرکوبها را با یورش به مراسمهای روز جهانی زن در سال ۵۸ شروع کرد. به زنان آزادیخواه و برابری طلب حمله کرد و با جدایی جنسیتی و حجاب اجباری آپارتاید جنسی را بر قوانین حاکم در ایران علیه زنان اجرایی کرد. علیه این زن ستیزی و علیه آپارتاید جنسی اما زنان آزادیخواه ساکت ننشستند. دست به اعتراض زدند و نخواستند مرعوب سیاستهای ضد زن حکومت اسلامی شوند و جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه علیه آپارتاید جنسی و قوانین ضد زن حکومت اسلامی شکل گرفت. پشتوانه سیاسی و تئوریک این جنبش کمونیسم دخالتهای بود که استوارانه ایستاد، و در ۴ دهه گذشته محکم و قاطعانه از جنبش برابری طلبانه زنان دفاع کرد، علیه سنگسار و قوانین قصاص، علیه باندهای مسلح و نیروهای حزب الهی که در خیابانها به اسم "نهی از منکر" بصورت زنان اسید میپاشیدند، حجاب اجباری را با پوزر و آزار جنسی به زنان تحمیل میکردند، يك دم هم ساکت نشد و اعتراض و میتینگ و فعالیتهای بین المللی و لابیستی و بسیج افکار عمومی در داخل و خارج از کشور را فعالانه و بی اما و اگر سازماندهی کرد. کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری ایران پیشقراول و پیشتاز جنبش آزادیخواهانه زنان در ایران است. امروز و بر بستر شرایط مبارزاتی و اعتراض طبقاتی کارگران و کارکنان در جامعه حزب کمونیست کارگری به حزب مبارزه علیه هر نوع ستم کشی طبقاتی، و ستم کشی زنان عروج کرده است. پرچم مبارزه سوسیالیستی برای تحقق رهایی زن و کارگر و مزدبگیران در دست حزب کمونیست کارگری است که با حمایت میلیونی میتواند در آینده تعیین قدرت سیاسی حزبی مطرح باشد. میلیون ها نفر از زنان سوسیالیست و زنان آزادیخواه به این جبهه مهم و عظیم تعلق دارند، در پرتو شرایط کنونی ما زنان را فرامیخوانیم به جهش نوینی دست بزنند.

ایسکرا: ما هر سال شاهد برگزاری مراسمهای هشت مارس در اشکال مختلف در ایران و شهرهای کردستان بوده ایم. با توجه به تحولات سیاسی، اجتماعی و اعتراضی یکسال گذشته فکر میکنید هشت مارس امسال در چه قامتی میتواند به میدان بیاید و چه انتظاری از جنبش برابری طلبانه زنان برای برگزاری هشت مارس دارید؟

نسان نودینیان: فاکتور اول؛ هشت مارس امسال مستقل از اینکه چند مراسم و میتینگ و تجمع برگزار بشود، متفاوت خواهد بود. تفاوت فاز در شرایط کنونی به فاکتورهای متعددی مربوط است. اولین فاکت، جنبش اعتراضی مردم در ایران برای بیزر کشیدن حکومت اسلامی سرمایه و ضد کارگر، ضد مردم و ضد زن است. روز جهانی زن امسال متفاوت است. به این دلیل فضای سیاسی - اجتماعی جامعه تغییر کرده به این دلیل، اعتراضات سراسری علیه یکی از فاشیستی ترین نظام در قدرت، جمهوری اسلامی سرمایه در سطح سراسری علیه فقر و گرانی و بیکاری و فساد در جریان است. به این دلیل در قلب این تحول بزرگ سیاسی - اجتماعی جنبش نوینی علیه حجاب اجباری و اسلامی توسط زنان مبارز پا بعرصه مبارزه گذاشته است!

روز جهانی زن امسال متفاوت شده! از دی ماه ۹۶ ما شاهد جنبش نوین دختران خیابان انقلاب هستیم. در سال ۹۶ جنبش خیابان انقلاب عروج پیدا کرد. ویدا موحد در شرایطی که هنوز صدها هزار کارگر و مردم زحمتکش علیه فقر و نابرابری و با شعار مرگ بر خامنه ای روزهای پرحرارت و انقلابی را تجربه میکردند، با برداشتن رو سری (حجاب اجباری) در یکی از خیابانهای تهران، خیابان انقلاب، مبتکر پرت کردن حجاب اجباری شد.

فاکتور دوم؛ تقویت هژمونی کمونیسم و بویژه حزب کمونیست کارگری بر بستر شرایط کنونی، است. چرایی مهم بودن این فاکتور (هژمونی کمونیسم و بویژه حزب کمونیست کارگری) را بیشتر توضیح میدهم. جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه در سطح سراسری و



اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان تهیه و تنظیم: عزیزه لطفی

پروین محمدی نایب رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز بازداشت شد



روز سه شنبه ساعتی پس از بازداشت جعفر عظیم زاده، مامورین نیروی انتظامی کلانتری ۱۱ فردیس کرج، پروین محمدی، نایب رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران را نیز بازداشت و کلیه وسایل شخصی، لپ تاب و گوشی همراه وی را ضبط کردند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن محکوم کردن بازداشت دو نفر از هیات مدیره این اتحادیه، خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط آنها می باشد.

سروآباد تجاوز ماموران به چاوچوان ورمقانی



چاوچوان ورمقانی ۳۲ ساله از روستای جولانده، توابع شهرستان سروآباد کردستان به دلیل اینکه پدرش مبلغ دین بهائیت بود توسط اعضای پایگاه دستگیر، او را شکنجه و سپس به وی تجاوز کردند.

اعضای پایگاه بسیج مسجد جامع شهرستان سروآباد برای پیدا کردن پدر چاوچوان که به جرم تبلیغ بهائیت تحت تعقیب بود او را بازداشت کردند تا محل مخفی شدن پدرش را با شکنجه و تجاوز به دست بیاورند.

چاوچوان پس از شکنجه‌های فراوان و تجاوز ۳ تن از اعضای

های نفت فراوان، کشوری ثروتمند با مردم فقیرجمله‌ای که همیشه به آن فکر می‌کنیم. اکثر مردم ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند، درآمد اندکی که زنده بمانند ولی از زندگی لذت نبرند. در همه سال‌ها به ما گفته شده خداوند را برای یک لقمه نانی که دارید شکر کنید. این جمله را کسانی گفته‌اند که خود پول‌های زیادی را به جیب زدند. زمانی که حق و حقوقت را گرفته‌اند چه باید کرد؟!

۱۰ مرداد روزی که به طور علنی رسانه های داخلی اعلام کردند می‌توانید مسالمت آمیز به گران اعتراض کنید ۱۱ مرداد، روزی که مسالمت آمیز اعتراض کردیم و دستگیری شدیم.

آن روز فهمیدیم، هیچ چیز نسبت به گذشته تغییر نکرده،

همه چیز شبیه قتل‌ها، بازداشت‌ها و حقیقت موجود در دهه ۶۰، ۷۰، و ۸۰ سال هست. با این تفاوت که به مردم لبخند می‌زنند، دروغ می‌گویند و مردم را گرسنه

نگه می‌دارند! هم گرسنگی جسمی و هم گرسنگی فکری (و گواه آن وقایع دردناکی است که یکسال نیز تکرار شده‌اند: فقدان آب خرمشهر، بازداشت اقلیت‌ها، تورم اقتصادی، اعدام زندانیان سیاسی، خصوصی سازی کارخانه‌های هفت تپه و بازداشت کارگران، آتش سوزی مدارس، تعرض جنسی به دانش آموزان و اعتراض معلمان به منظورکسب حق و حقوقشان. اعدام سلاطین اختلاس و واژگونی اتیوس دانشجویان علوم تحقیقات و بازداشت عده‌ای از معترضین به این حادثه ناگوار و... به علت رعایت نکردن حقوق بشر و اختصاص بخش اعظم سرمایه کشور به بودجه نظامی برای درگیری‌های داخلی و خارجی، ایران تحریم شده و مردم باید بهای بی مسئولیتی رژیم را با سخت تر شدن شرایط زندگی پرداخت کنند. اما شاید خیر ندارند که این روزها مردم ایران آگاه تر شده‌اند و در مقابل ظلم‌هایی که به آنها شده سکوت نمی‌کنند. دست در دست هم، از هر طبقه اجتماعی، در مقابل ظلم‌ها و کوتاهی‌ها می‌ایستند. ما سه تن از بازداشت شدگان ۱۱ مرداد ۹۷، صبا کرد افشار، یاسمن آریانی، آذر حیدری، همچنان در کنار مردم عزیز و آگاه

کشورمان هستیم و همچنان با شما به بی عدالتی‌های موجود معترضیم. صبا کرد افشار، یاسمن آریانی، آذر حیدری / بند زنان زندان اوین / دی ۹۷

خودکشی یک دانش آموز مقطع پنجم ابتدایی در اورمیه

یک دختر دانش‌آموز مقطع پنجم ابتدایی در مدرسه اصغرزاده شهر اورمیه، اقدام به خودکشی (مصرف دارو) نمود و در محوطه مدرسه بی‌هوش و نهایتاً در مسیر انتقال به بیمارستان جان باخت.

همسایگان این دانش‌آموز گفتند، پدر این دانش‌آموز بعلت بدهی جزئی در زندان می‌باشد و برادر وی نیز مشغول خدمت سربازی بوده و مادرش با کارگری مخارج زندگی‌شان را تامین می‌کرده و علت خودکشی این دانش‌آموز نیز مسائل مالی است. مسبب و عامل اصلی خودکشی‌ها حکومت اسلامی است.

چشم‌های بسته نمایشگاه آثار قربانیان اسیدپاشی



چشم‌های بسته، چوب سوخته و صورتک لرزان در نمایشگاه آثار قربانیان اسیدپاشی چهره مرضیه ابراهیمی در تصویر، همان چهره آشنایی است که بارها دیده‌ایم؛ دختر اصفهانی با صورتی که اسید نیمه از آن را از بین برده است اما لبخند شیرینش همه چیز را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

محسن که پیش از حادثه اسیدپاشی، طراحی می‌کرده، مدت‌ها است معرق را به صورت حرفه‌ای ادامه می‌دهد و تدریس می‌کند.

خطوط منحنی و لرزان چهره‌ها با چشم‌های بسته یا تخریب شده در تابلوهای معرق نمایشگاه «هویت»، روایت قربانیان اسیدپاشی است از هویت متفاوتی که این افراد پس از حادثه کسب کرده‌اند.

از در ساختمان موزه

«رضاعباسی» (تهران که وارد می‌شوی، سمت راست، نمایشگاه موقتی برپا شده که چهارمین نمایشگاه با عنوان هویت است؛ نمایشگاه آثار چوبی شامل معرق، منبت، مجسمه و لوازم زینتی که در دو بخش آثار قربانیان اسیدپاشی و هنرمندان معلول به نمایش در آمده اند.

جز چند نفر بازدیدکننده، چند نفر از هنرمندان هم در سالن نمایش «آوار» حضور دارند. «محسن مرتضوی»، هنرمندی است که نمایشگاه هویت با تلاش او برگزار شده است. خوش برخورد و آرام در فاصله کمی از سه اثر پرتره معرق که خودش ساخته، ایستاده است؛ سه چهره شناخته شده قربانی اسیدپاشی شامل «مرضیه ابراهیمی»، «معصومه عطایی» و «محسن مرتضوی».

چهره مرضیه ابراهیمی در تصویر، همان چهره آشنایی است که بارها دیده‌ایم؛ دختر اصفهانی با صورتی که اسید نیمه از آن را از بین برده است اما لبخند شیرینش همه چیز را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

به چهره درون تابلوی دوم که نگاه می‌کنی، صورتی خندان می‌بینی با دستی که گوشه شال قرمز را نزدیک زیرچانه گرفته است و پلک‌هایی که انگار از شرم فرو افتاده اند. این تابلو چهره معصومه عطایی است؛ زنی که هر دو چشمش را در جریان اسیدپاشی از سوی پدرشوهرش از دست داده و پلک‌هایش برای همیشه بسته مانده اند. چهارمین نمایشگاه هویت با رونمایی از همین تابلو افتتاح شد.

جمعه، ۲۵ ژانویه ۲۰۱۹
سامان گودرزی

زنان و دختران مه‌آباد بدون حجاب در مراسم



در جریان اعطای جایزه محمد ماملی خواننده به هنرمند اهل کرمانشاه حسین صفامنش، بخشی از زنان و دختران حاضر در مراسم بدون حجاب شرکت داشتند.

بیانیه کنفرانس نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت شورایی وظیفه فوری ما است.



سیاه آن در کردستان حلقه‌ای موثر از جنبش سرنگونی انقلابی سراسری است.

۲- ما در برابر نیروهایی که در تلاش اند سرنوشت مردم کردستان را به سیاست دولت‌های امپریالیستی گره بزنند، بر مبارزه و همسرنوشتی مردم کردستان با توده‌های مردم در سراسر ایران تاکید می‌کنیم. مبارزات کارگران و توده مردم در کردستان پیوستگی تنگاتنگی با مبارزات سراسری مردم ایران دارد و نهایتاً با سرنگونی جمهوری اسلامی به پیروزی خواهد رسید.

۳- این امکان وجود دارد که بساط حکومت در کردستان پیش از سایر نقاط ایران برچیده شود. اما سقوط و درهم شکستن نیروها و نهادهای حکومت مرکزی و عقب نشینی آنان پایان کار سرنگونی رو به گسترش سراسری را به طرز آشکاری در چشم انداز تحولات جاری قرار داده است. در چنین شرایطی ارائه یک آلترناتیو سوسیالیستی از طرف نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، که در آن تصویر روشنی از معنای سرنگونی جمهوری اسلامی، چگونگی پیروزی، شکل شرکت مستقیم توده‌های مردم کردستان در حاکمیت سیاسی و اداره جامعه و تحقق خواستها و مطالبات مردم کارگر و زحمتکش بدست داده شده باشد، مبرمیت پیدا کرده است.

بر این اساس و در پاسخ به این نیاز ما امضا کنندگان این بیانیه حول محوره‌های زیر وارد تلاش مشترک جهت شکل دادن به یک قطب چپ و سوسیالیستی در کردستان می‌شویم:

۱- پیشبرد و هدایت مبارزه همه جانبه برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی، سازماندهی و تلاش موثر برای درهم شکستن نیروها و نهادهای رژیم و برچیدن حاکمیت

و حضور قدرتمند سیاسی، اجتماعی و نظامی جنبش کمونیستی و احزاب متعلق به آن در مبارزه بی‌امان با جمهوری اسلامی، دفاع پیگیرانه از کارگران و زنان و سایر اقشار فرودست جامعه و نقد سیاسی از جنبش‌های بورژوازی، چپ را به یک نیروی موثر اجتماعی در کردستان تبدیل کرده است. امروز چپ اجتماعی و چپ متحذب که حضور آن در مبارزات کارگران و زنان و جوانان در عرصه‌های مختلف اعتراض اجتماعی در شهرهای کردستان قابل مشاهده است، یک نیروی موثر و تعیین کننده در کردستان است. بنابراین قدرت نیروی چپ در کردستان هم اکنون عقب راندن و برچیدن حاکمیت رژیم اسلامی در هماهنگی با جنبش سرنگونی رو به گسترش سراسری را به طرز آشکاری در چشم انداز تحولات جاری قرار داده است.

در چنین شرایطی ارائه یک آلترناتیو سوسیالیستی از طرف نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، که در آن تصویر روشنی از معنای سرنگونی جمهوری اسلامی، چگونگی پیروزی، شکل شرکت مستقیم توده‌های مردم کردستان در حاکمیت سیاسی و اداره جامعه و تحقق خواستها و مطالبات مردم کارگر و زحمتکش بدست داده شده باشد، مبرمیت پیدا کرده است. بر این اساس و در پاسخ به این نیاز ما امضا کنندگان این بیانیه حول محوره‌های زیر وارد تلاش مشترک جهت شکل دادن به یک قطب چپ و سوسیالیستی در کردستان می‌شویم:

۱- پیشبرد و هدایت مبارزه همه جانبه برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی، سازماندهی و تلاش موثر برای درهم شکستن نیروها و نهادهای رژیم و برچیدن حاکمیت

بحران اقتصادی. سیاسی رژیم اسلامی ایران، مصائب و مشقات ناشی از حاکمیت سرمایه‌داری، رشد جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی و ناراضی‌های عمیق توده‌های فرودست جامعه، چشم انداز سرنگونی جمهوری اسلامی و برچیده شدن بساط حاکمیت این رژیم از طریق یک انقلاب توده‌ای را به یک امکان واقعی تبدیل کرده است.

این رژیم در اذهان اکثر مردم ایران حاکمیتی در حال زوال است و لذا یافتن جایگزینی برای آن به دغدغه اصلی بخش عظیمی از جامعه تبدیل شده است. در قبال این روند و برای پاسخ گویی به مسائل گریه‌ی پرده‌ساز سرنگونی جمهوری اسلامی و احتمالات پیش رو، صف بندی نیروهای چپ و راست جامعه در ایران و کردستان بیش از پیش عمیق تر و شفافتر شده است. وجود جنبش چپ و کمونیستی از یک سو و جنبش بورژوا - ناسیونالیستی از سوی دیگر به معرفی افق‌های مختلف در سطح جامعه انجامیده است. در چنین شرایطی نیروهای مختلف بورژوازی مردم را از انقلاب می‌ترسانند و برای تغییر حاکمیت سیاسی ایران از بالا و بدور از دخالت دگرگون ساز مردم کارگر و زحمتکش تلاش می‌کنند.

در کردستان احزاب و نیروهای متعلق به جنبش بورژوا- ناسیونالیستی از هم اکنون تلاش می‌کنند تصویر خودشان را از روند تغییر ساختار سیاسی در ایران و سرنوشت مبارزه مردم کردستان به افکار عمومی القا کنند و استقرار یک حکومت فدراتیو مبتنی بر نظام پارلمانی را به عنوان مکانیسم دخالت در امور سیاسی و اداره جامعه بعد از سرنگونی رژیم اسلامی به مردم تحمیل کنند. چهار دهه مبارزه بی وقفه

جنبش سرنگونی در سطح ایران است.

۵- شرط لازم پیشروی مبارزه انقلابی و اعمال قدرت مردم کردستان جدایی توده‌های کارگر و زحمتکش از استراتژی و سیاست های احزاب بورژوا. ناسیونالیستی در کردستان و تقویت استراتژی سوسیالیستی در مقیاس اجتماعی است. انجام این امر در گرو پیشروی جنبش‌های اعتراضی و دگرگونی های واقعی در زندگی اجتماعی توده های مردم کردستان میباشد.

۶- ما در مقابل طرحها و سیاست دخالتگرانه قدرتهای جهانی و متحدان منطقه‌ای آنها برای تحمیل آلترناتیو راست بر روند تحولات سیاسی در ایران و کردستان، می ایستیم. هر نوع طرح و آلترناتیوی از بالای سر مردم را مردود می دانیم و مجادله برای به انزوا کشاندن آن میکوشیم.

۷- احزاب بورژوازی در کردستان تلاش میکنند سیاست های خود را در قالب یک ساختار فدرالیستی بعد از سرنگونی رژیم اسلامی به مردم تحمیل کنند. چنین سناریویی به معنی ادامه محرومیت و بیحقوقی مردم کردستان است. تجربه نشان داده است فدرالیسمی که از جانب نیروهای بورژوا. ناسیونالیست طرح میشود راه حلی برای رفع ستم ملی و مسئله کرد نیست. ما هر نوع طرحی که ستمگری بر مردم کردستان را باقی بگذارد و به تفرقه میان مردم دامن بزند مردود دانسته و در مقابل آن می ایستیم.

۸ - ستمگری ملی همراه با وحشیانه ترین شیوه های سرکوب از جانب رژیمهای سرکوبگر سلطنتی و جمهوری اسلامی مصائب فراوانی را بر مردم کردستان تحمیل کرده است. ما خواهان رفع فوری ستم ملی و حل مسئله کرد هستیم. برای این مهم نتیجه تصمیم آزادانه مردم کردستان به معنی جدایی و یا ماندن در چهار چوب ایران با تأمین و تضمین حقوق مساوی را برسمیت میشناسیم. ما هر نوع اقدام قهرآمیز و نظامی برای جلوگیری از تصمیم مردم کردستان و یا برسمیت نشناختن نتیجه آن با دستاویز "حفظ تمامیت ارضی" و مقابله با "تجزیه طلبی" و یا هر توجیه دیگری را قویا محکوم و مردود اعلام میکنیم. ما در عین

حال بر همبستگی و همسرنوشتی مبارزاتی مردم کردستان با مردم آزادیخواه و ستم دیده در سراسر ایران تاکید می کنیم.

۹- از آنجا که رژیمهای سرکوبگر، حقوق و آزادیهای اولیه مردم کردستان را با لشکر کشی و زور و سرکوب پایمال می کنند، مردم حق دارند برای دفاع از خود دست به اسلحه ببرند و از حقوق، حرمت و کرامت انسانی خود در مقابل هر نیروی سرکوبگری دفاع نمایند. حق دارند مسلح شوند و نیروی مسلح سازماندهی شده تحت هدایت نهادها و شوراهای مردمی را سازمان دهند.

۱۰- ما به عنوان نیروهای انترناسیونالیست، که تقویت همبستگی کارگران و توده های زحمتکش و ستمدیده را امر خود میدانیم، از مبارزات آزادیخواهانه مردم کردستان در عراق، ترکیه و سوریه برای آزادی، رفع ستم ملی و علیه فقر و نابرابری اجتماعی دفاع میکنیم. این امر محور سیاست و خط مشی ما در قبال مسئله کرد به عنوان یک مسئله منطقه‌ای است.

۱۱- ما امضا کنندگان این بیانیه تلاش میکنیم، برای پیشبرد جهت گیریهای ذکر شده و هماهنگ کردن فعالیتها و اقدامات مشترک مکانیزم لازم را ایجاد و اسناد ضروری را تصویب نماییم.

۱۲- ما کارگران، مردم آزادیخواه و برابری طلب در کردستان را فرا می خوانیم که خیزش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را هم‌دوش و همراه مردم ایران با قدرت و قاطعیت به پیش ببرند و در این مسیر بر استقرار حاکمیت شورائی در کردستان و سراسر ایران بکوشند. در این راستا همه آزادیخواهان و فعالین چپ و سوسیالیست را فرا می خوانیم به این تلاش مشترک ما بپیوندند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی!
برقرار باد حاکمیت شورائی!
زنده باد سوسیالیسم!
۲۷ ژانویه ۲۰۱۹

روند سوسیالیستی کومه له
کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران
کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران-حکمیست
کومه له - سازمان کردستان حزب
کمونیست ایران

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری پیرامون بحران در ونزوئلا ونزوئلا به کدام سو میرود؟



غذایی و دارویی آواره کشورهای همسایه شده اند. صندوق بین المللی پول نرخ تورم در سال جاری میلادی را ۱۰ میلیون درصد تخمین زده است. کشمکشها و تظاهرات خیابانی دستجات رقیب و اعتراضات بحق توده مردم جامعه را در یک دوران پر تلاطم قرار داده است.

ونزوئلا بار دیگر شاهد عمیق ترین بحران اقتصادی و سیاسی است. رکود و کساد همه جانبه اقتصادی، ابرتورم و افزایش تصاعدی و بی سابقه قیمتتها، بیکاری و قحطی مواد غذایی و دارویی عملاً جامعه را در حالت فلج اقتصادی قرار داده است. از نظر سیاسی نیز کشمکشهای موجود، طبقه حاکمه و حکومت را به دو جناح متخاصم تقسیم و حاکمیت را فلج کرده است. دو "رئیس جمهور"، دو جناح در حاکمیت، که هر کدام به بخشهای از ارگانهای طبقه حاکمه چنگ زده اند. این قطب بندی درون طبقه حاکمه در ونزوئلا بازتاب جهانی خود را نیز پیدا کرده است. دولت‌های غربی در دفاع از خوان گواریدو، "رئیس جمهور" جناح ناسیونالیست پرو غرب و دولت‌های روسیه و چین و ترکیه و جمهوری اسلامی در کنار نیکلاس مادورو، رئیس جمهور جناح ناسیونالیست ضد آمریکایی حاکمیت به خط شده اند.

حزب کمونیست کارگری در قبال این وضعیت ویژه بر نکات زیر تاکید میکند:

۱- مردم حق دارند که در مقابل وضعیت فلاکت‌بار اقتصادی و محدودیت آزادیهای سیاسی و فردی دست به اعتراض بزنند. مردم حق دارند در مقابل حکومت مادورو که مسبب فقر و فلاکت و قحطی و قیمت‌های نجومی است دست به تظاهرات بزنند و خواهان تغییرات بنیادی در وضعیت اقتصادی و سیاسی موجود باشند. مردم حق دارند برای رفاه و برابری و تامین اجتماعی و سیاسی به خیابانها بیایند. ما از "نه" مردم در مقابل وضعیت موجود و اعتراض حق طلبانه آنها برای برخورداری از یک زندگی شایسته انسان قرن بیست و یکم دفاع میکنیم.

۲- برخلاف ادعاهای مدافعین و مبلغین حاکمیت چاوز-مادورو، این حکومت کوچکترین ربطی به

ماهیت این بحران اقتصادی و سیاسی و قطب بندیها چیست؟ ونزوئلا به کدام سو میرود؟ ونزوئلا در یک فلج سیاسی-اقتصادی بسر میبرد. ۱۰ درصد جمعیت کشور ۳۰ میلیونی ونزوئلا در سالهای اخیر برای فرار از فقر و فلاکت اقتصادی و قحطی مواد

توده های زحمتکش مردم جناح دیگری، جناح سومی را تشکیل میدهند. در این جدال ما مدافع جناح سوم، مدافع اعتراض بحق مردم، مدافع رفاه و عدالت اجتماعی و نابودی فقر و فلاکت و محرومیت توده های مردم، مدافع آزادی و برابری همگان هستیم. این نیرو اگر چه در حال حاضر دارای نمایندگی سیاسی بارز و آشکاری نیست، اما هر درجه پیشرفت و سعادت مردم در گرو متشکل شدن و شکل گیری اردوی کمونیسم و کارگر در تقابل با وضعیت موجود است. سعادت و خوشبختی آینده روشن در ونزوئلا در گرو تحرك و تلاش این نیرو است. حزب کمونیست کارگری همه مردم آزادیخواه و بشریت متمدن را به مقابله با سناریوی وحشتناکی که هر دو جناح طبقه حاکمه و متحدین بین المللی شان در مقابل مردم فقر زده ونزوئلا قرار داده است، فرا

المللی خود خواهان تبدیل ونزوئلا به حیات خلوت ایالات متحده آمریکا است.

۴- تلاشهای مذبحخانه هر دو جناح طبقه حاکمه بمنظور لشگرکشی از جامعه و نیروهای مسلح و دستجات میلیتاریستی در حمایت از یک جناح و باز کردن پای دول مرتجع جهان در تحولات جاری، و کشدار شدن این کشمکشها میتواند شیرازه جامعه ونزوئلا را در هم شکسته و مردم را اسیر یک سناریوی خونین و دهشتناک کند. تهدیدهای ترامپ مبنی بر انتخاب گزینه نظامی گوشه ای از آینده سیاهی است که این نیروها در برابر جامعه قرار داده اند. این وضعیت در صورت تداوم میتواند ونزوئلا را به عراق دیگری در آمریکای لاتین تبدیل کند.

۵- تظاهرات و اعتراضات خیابانی تنها لشگرکشی دو جناح حاکم بمنظور یکسره کردن وضعیت بحرانی حاضر به نفع یک جناح طبقه حاکمه نیست. جدال سیاسی در ونزوئلا صرفاً دارای دو جناح نیست.

۳- جناح ناسیونالیسم پرو غربی به رهبری خوان گواریدو، نماینده "نه" مردم در مقابل وضعیت فاجعه بار موجود نیست، برعکس گرایش عمیقاً ارتجاعی و دست راستی است. سیاستهای اقتصادی و سیاسی این جناح متکی بر ریاضت کشی اقتصادی و نئولیبرالیسم و تلاشی برای تحمیل بار بحران اقتصادی بر گرده توده مردم زحمتکش است. این جناح با تکیه بر ارتجاع ترامپیستی و متحدین بین

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

حکومت اسلامی آشکارا مستاصل است و در بحران لاعلاج دست و پا میزند. توان کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. مردم نیز نشان داده اند که تحمل این شرایط را ندارند. باید مبارزات مان را سازمان یافته و سراسری کنیم.

یک ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است. شوراهای سازماندهی میتوانند در همه محلات و شهرها ایجاد شوند و اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواست های سیاسی و رفاهی و حول خواست های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند و نقش رهبری میدانی مردم را بعهده بگیرند.

اکنون وقت سازماندهی اعتراضات شهری در سراسر کشور است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری و جوانان معترض را فرامیخواند در هر شهر و محلی که میتوانند، شوراهای سازماندهی اعتراضات را ایجاد کنند، جوانان و مردم معترض و پو شور را در این شوراها جمع کنند و با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مدیای اجتماعی حلقه تماس خود با مردم شهر را گسترش دهند.

زنده باد شورای سازماندهی اعتراضات در سراسر کشور

به حزب کمونیست کارگری پیوندید! شما هم فعالانه دست در دست کسانی بگذارید که میخواهند دنیای بهتری پایه ریزی کنند.

آدرسهای تماس با حزب:

شماره تماس از طریق واتس آپ و ایمو
00447435562462

تلگرام: <https://t.me/wpisazmaneh>
ایمیل: committee.sazmandeh.wpi@gmail.com

نقطه عطف،

انقلاب سوسیالیستی
در ایران است

در اوج اعتصابات کارگری در هفت تپه و فولاد اهواز اولین کسانی که از سربرآوردن "کمونیسم نو" دچار وحشت شدند و از کمونیسم کارگری و نوع دیگری از کمونیسم سخن گفتند امامان جمعه بودند که در تریبونهای نماز جمعه شان نسیم سوسیالیسم و شیخ کمونیسم در خیابانهای شوش، اهواز و تهران را بو کشده و حس کردند. آنان وحشت خود از ظهور اجتماعی و کارگری کمونیسم را بطور اتفاقی بیان نکردند بلکه یکدست از بیت رهبری بخط شده و ناچار به اعتراف شدند.

با اعتصابات ماههای اخیر و در تمامی اعتراضات کارگری، جامعه خوبی دریافته است که آرمانهای سوسیالیستی قبل از هر چیز پدیده ای مادی است که با زندگی روزمره آنان عجین است. یک زندگی مرفه، آزاد، برابر، پایان دادن به تبعیض و نابرابری، برچیدن استثمار از گرده مزدبگیران، برابری زن و مرد، برچیدن کار کودکان، پایان دادن به مجازات شکنجه اعدام، از بین بردن فقر و اعتیاد و تن فروشی، بازگرداندن حرمت و کرامت انسانی به تمامی شهروندان و اعمال حاکمیت شورایی با ایفای نقش یک حزب کمونیست جدی و مسئول چیزی جز هموار شدن برای دست یابی به آرمانهای سوسیالیستی نیست. به این اعتبار مردم ایران و هر جای دیگری با چنین تعریف و شاخصی سوسیالیست هستند.

این یک واقعیت عینی، تاریخی و داده شده است که هر انسانی بعنوان آزادی روزمره اش داشتن یک زندگی برابر، آزاد، بدون تبعیض و استثمار را برای خود و دیگران خواهد. از این سر است که هر فعال و رهبر کارگری و هر انسان آزاده و حق طلبی زیر شکنجه های جلالان وزارت اطلاعات مافیای اسلامی میتواند با افتخار و سربلندی بگوید من یک سوسیالیست و یک کمونیست هستم. با اعتماد بنفس و حق بجانب بگوید حکومت و ساختار تو ضد انسان و تباہ کننده است و باید برچیده شود.

آنچه امروز در کشاکش جدال بین کارگر و کل جامعه در مقابل حاکمیتی که نفسهای آخر را میکشد و پدیدار شده، رعدی در آسمان بی ابر نبوده است. اینها ثمره کار و تلاش عظیم جنبش کارگری و کمونیستی است و ارزان بدست نیامده است. هیچگاه در تاریخ معاصر ایران بویژه در دوران ارتجاعی ترین حکومت تا به این حد کمونیسم و سوسیالیسم بنا به تعریفی که بالاتر اشاره شد خوشنام و شفاف نبوده است. وجود این فضا مدیون ضرورت عینی و واقعی تلاش کارگر در مقابل استثمارگران از یک سو و از سوی دیگر ایفای نقش کمونیستها و احزاب کمونیست نو است.

حزب و حزیت بمعنای عام و اینجا حزب کمونیست بمعنای اخص

کلمه مفهوم و مقوله ای تعیین کننده در تحولات انقلابی و پیشا انقلابی است. آتانی که خود را چپ و کمونیست میدانند و بنا به هر دلیلی فعالیت متحزب ندارند روی این مسئله متفق القول هستند که بدون وجود حزب بلشویک، انقلاب اکتبر که دنیا را تکان داد ممکن نبود. موانع ذهنی و سنتی را باید یکبار برای همیشه شکست و کنار گذاشت. آمیختگی جنبش کارگری با افق و اهداف کمونیستها و احزاب متعلق به این جنبش همانند ماهی و آب است. زمان تقویت، گسترش و همه گیر نمودن این دو پدیده بیش از هر وقت دیگری فرا رسیده است.

اعتراف مرتجعترین عناصر مافیای اسلامی چپاول و سرمایه به رواج کمونیسم و اعتراف به ایفای نقش حزب کمونیست مدافع پیگیر منافع کارگر یعنی روزهای تولد جامعه ای سوسیالیستی در ایران. یکبار برای همیشه باید لگنت زبانها را کنار گذاشت و با اعتماد بنفس، طلبکار، صریح و روشن از آرمانهای انسانی و برقراری یک جامعه سوسیالیستی و مهمتر از همه وجود حزب بعنوان مولفه ای تعیین کننده حرف زد. امروز دیگر نه تنها سرمایه داری مدل غربی و "پیشرفته" آن که دنیا را به لجن کشیده مشروعبیت ندارد بلکه بطریق اولی حاکمیت باندهای مافیای اسلامی نوع داعش و طالبان در ایران نیز ننگی بر پیشانی جامعه انسانی قرن حاضر هستند.

اوضاع دنیای کنونی در دهه دوم قرن ۲۱ را باید عمیقاً دریافت. لحظات کنونی نیازمند پاسخهای روز در همان لحظات مبتنی بر افق و سیاست روشن و آرمانهای جنبش کارگری و کمونیستی است. کنار زدن سرمایه داری متعفن و به بن بست رسیده، به موزه سپردن کثافت ارتجاع اسلامی و مذهبی، متوقف کردن خطر جنگ و تحمیل فقر به چندین میلیارد انسان بر روی این کره خاکی کار کمونیستها و احزاب کمونیست جدی و مسئول است که با تاکتیک، سیاست، افق روشن و متد مارکسی به استقبال این شرایط می روند. نقطه عطف این تحول، انقلاب سوسیالیستی در ایران است.

۵ بهمن ۹۷

۲۵ ژانویه ۲۰۱۹

یادداشت‌های هفته

عبدل گپریان

شیخ مارکس
بر صدا و سیما

قاتل همیشه به محل جنایتش
سرمیزند

معیارها برای مردم ستمدیده و کارگر مزدبگیر و شکنجه شده سر و ته نشده اند. کارگر با کمونیسم و کمونیسم با کارگر تداعی میشوند. هر دو یک پدیده مادی، تاریخی و اجتماعی اند.

حکومت مافیای اسلامی، کارگر و فعال سیاسی را "بجرم" نزدیکی به باورهای سوسیالیستی و کمونیستی اسیر میکند، شکنجه میکند، دروغ تحویل مردم میدهد و مردم هم محکم بهش پاسخ کوبنده میدهند.

باب شدن و به میدان آمدن کمونیسم و کارگر در فضای سیاسی جامعه سبب شد که قاتلان کمونیستهای دهه شصت و شصت و هفت با ادبیات و تبلیغاتی دیگر از طریق رسانه رسوا شده شان به مصاف و جنگ با کمونیسم و کارگر به میدان بیایند.

صدا و سیما اخیراً با همین شمشیر زنگ زده و تحلیل و ارزیابی اسلامی به مصاف با مارکس به میدان آمده است. جالب و شنیدنی تر این است که رسای جمهور کشورهای بلوک شرق و آسیا، از پینوشه گرفته تا نجیب الله در افغانستان، و غیره در قبال از فروپاشی بلوک شرق را بعاریه گرفته و به مصاف با مارکسیسم عرض اندام کرده اند.

فارغ از بی مایگی تحلیل و ارزیابی اسلامی آنان از مارکس و کمونیسم، نفس بازگشت قاتلان کمونیستها به محل جنایاتشان (دهه شصت و کشتار و قتل عام کمونیستها و آزادیخواهان) و تبدیل و تحمیل شدن کمونیسم و مارکسیسم از سوی کمونیستها و

کارگران به "گفتمان" برنامه های "افشاگرانه شان" علیه مارکس، گویی "عذاب وجدان" در کشتار کمونیستها دست از سرشان برنمی‌دارد. اینها قبل از هر چیز نشاندهنده عطش جامعه و روی آوری کارگر، زن و جوان به آرمانهای سوسیالیستی، انسانی و کمونیستی در جامعه ایران است که آنان را به این نوع دست و پا زدن‌ها انداخته است.

آنچه شغف انگیز است این است که فضای موجود در روی آوری کارگر و جامعه به آزوها و آرمانهای انسانی سوسیالیسم و کمونیسم، غیر قابل بازپس گیری و غیر قابل بازگشت به روزها و ماههای گذشته است. امروز دیگر کمونیسم و سوسیالیسم بطور عینی و علنی به موضوع مطرح در جامعه ایران تبدیل شده است. اگر در دوران قتل عام کمونیستها در دهه شصت هر جوانی را تنها بخاطر یک اعلامیه که بوی کمونیسم و سوسیالیسم میداد بلافاصله اعدام و سربیه نیست میکردند، اما امروز نه تنها جرئت این کار را نسبت به کسانی که در زندانها علنی خود را مارکسیست و کمونیست میدانند ندارند بلکه فشار عظیم آرمانهای کمونیستی را بشدت بر پیکر درهم کوفته خود احساس میکنند.

حکومت مستاصل و درمانده اسلامی با ضرباتی که از مبارزات کارگران، مردم معترض و کمونیستها خورده است، در اوج ناتوانی رسانه سراپا رسوایش را به "نقد مارکس" اختصاص داده است. بدون حضور طرف یا طرفهای مخالف آنان در این خیمه شب بازیها، دارند وحشت، سراسیمگی و هراس خود از کارگر و کمونیسم را به بیننده نشان میدهند. باید از گسترش "نقد و افشاگریشان علیه مارکس" در رسانه رسوا و منفور شان استقبال کرد. این هم نوعی دستپاچی است که از ولی فقیه و دیگر آیت الله ها و نهادهای سرکوب تا صدا و سیما به آن دچار شده اند

اطلاعیه های حزب

دستگیری جعفر عظیم زاده و پروین محمدی را محکوم میکنیم

بنا به اطلاعیه اتحادیه آزاد کارگران ایران امروز سه شنبه ۹ بهمن جعفر عظیم زاده دبیر این اتحادیه دستگیر شده است. اتحادیه آزاد اعلام کرده است که "ساعت ۵ بعدازظهر امروز جعفر عظیم زاده دبیر اتحادیه آزاد کارگران ایران توسط چهار نفر که مشخص نشده از نیروهای چه ارگانی بودند بازداشت و به مکانی نامعلوم برده شد. ساعتی پس از بازداشت جعفر عظیم زاده، مامورین نیروی انتظامی کلانتری ۱۱ فردیس کرج، پروین محمدی، نائب رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران را نیز بازداشت و کلیه وسایل شخصی، لپ تاب و گوشی همراه وی را ضبط کردند".

دستگیری جعفر عظیم زاده و پروین محمدی که به دنبال تعرضات به کارگران هفت تپه و فولاد اهواز و دستگیری اسماعیل بخشی و علی نجاتی و سپیده قلیان صورت میگردد، تلاشی از جانب حکومت برای عقب راندن اعتراضات گسترده کارگران برای دستیابی به حقوق پایه ای شان است. جمهوری اسلامی تصور میکند با این دستگیری ها میتواند کارگران را به سکوت و عقب نشینی بکشاند. اما روند اوضاع جامعه و کارزارهای گسترده ای که توسط بخشهای مختلف مردم برای آزادی کارگران زندانی به جریان افتاده، آشکارا بر خلاف نقشه شوم و کثیف جمهوری اسلامی به پیش میرود. کارگران حقوق پایه ای خود را میشناسند و از حق تشکل و رفاه و منزلت و حقوق انسانی خویش کوتاه نمی آیند.

جعفر عظیم زاده، پروین محمدی و همچنین اسماعیل بخشی و سپیده قلیان، اسماعیل عابدی و کلیه کارگران و معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند و همه پرونده های امنیتی مخومه اعلام شود. این را با گسترش مبارزه و کارزارهای دفاع از کارگران زندانی در ایران و در سطح بین المللی به حکومت اسلامی تحمیل خواهیم کرد.

ناوید باد حکومت زندان و شکنجه و چپاول

زنده باد سوسیالیسم و جامعه انسانی

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ بهمن ۱۳۹۷، ۲۹ ژانویه ۲۰۱۹

دستگیری اعضای تحریریه نشریه گام را محکوم میکنیم

در روزهای گذشته جمهوری اسلامی سه نفر از اعضای هیئت تحریریه نشریه گام، امیر حسین محمدی فرد، ساناز الهیاری و امیر امیرقلی را دستگیر کرد. این دستگیری ها در ادامه دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و سناریوسازی های پوچ و سوخته وزارت اطلاعات صورت گرفته است.

حزب کمونیست کارگری دستگیری اعضای هیئت تحریریه نشریه گام را شدیداً محکوم میکند. اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، علی نجاتی، امیر حسین محمدی فرد، ساناز الهیاری، امیر امیرقلی و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند. رژیم با هیچ طرفندی قادر به جلوگیری از گسترش جنبش های مختلف اعتراضی نیست. این دستگیری ها نیز کمکی به بقای بیشتر حکومت کثیف اسلامی نخواهد کرد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
سرنگون باد جمهوری اسلامی
حزب کمونیست کارگری ایران
۵ بهمن ۱۳۹۷، ۲۵ ژانویه ۲۰۱۹

بازداشت اعضای کانون نویسندگان محکوم است

کانون نویسندگان ایران طی بیانیه ای در روز ۲ بهمن ۹۷ اعلام کرد که کیوان باژن و رضا خندان (مهآبادی)، اعضای هیات مدیره، و همچنین بکتاش آبتین یکی از بازرسان این کانون بازداشت و روانه زندان اوین شده اند. بازداشت اعضای کانون نویسندگان در پی حضور در دادگاه و حکم قاضی مقیسه دائر بر افزایش قرار وثیقه این افراد به مبلغ یک میلیارد تومان که توان پرداخت آنرا نداشتند، صورت گرفته است. جمهوری اسلامی از چند سال قبل کوشیده است برای دست اندرکاران کانون نویسندگان پرونده سازی کند و اکنون اتهاماتی نظیر "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی" و "تشویق بانوان کشور به فساد و فحشا" را به این سه نفر وارد کرده است. اخیراً هفتصد نفر از نویسندگان و روزنامه نگاران و فعالان عرصه های مختلف به این پرونده سازی اعتراض کرده و خواهان رفع هرگونه اتهام و محدودیتی بر اعضای کانون نویسندگان شده بودند.

حزب کمونیست کارگری بازداشت فعالین کانون نویسندگان را قویاً محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بی قید شرط آنها و همه زندانیان سیاسی است. جمهوری اسلامی در منگنه اعتراض و خشم کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان و همه مردم آزادیخواه قرار گرفته و وحشت زده میکوشد تا برای هرکسی پرونده امنیتی درست کند تا مگر با تهدید و زندان و شکنجه و سرکوب اوضاع را آرام کند. اما رژیم منحوس اسلامی و ضد بشری تنها گور خود را عمیق تر میکند. چنانکه در مورد دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و سایر دستگیر شدگان دیدیم که موج عظیمی از اعتراض علیه رژیم و جنایاتش و حمایت از همه عزیزان در بند به راه افتاد. دستگیری اعضای کانون نویسندگان تنها عزم ما و همه مردم را برای مبارزه برای آزادی بی قید شرط همه زندانیان سیاسی و رهایی از شر جمهوری اسلامی راسخ تر میکند.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

زنده باد آزادی بی قید و شرط بیان!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری

۴ بهمن ۱۳۹۷، ۲۴ ژانویه ۲۰۱۹

دستگیری محمد خنیفر

از نیشکر هفت تپه را محکوم میکنیم

بدنبال اعتصاب اختطاری کارگران نیشکر هفت تپه در روز پنجم بهمن ماه در اعتراض به ادامه بازداشت اسماعیل بخشی و پخش "مستند طراحی سوخته" از صدا و سیما جمهوری اسلامی و خبر حضور اسدیگیکی در شرکت، حوالی ظهر روز شش بهمن ماه دو نفر از کارگران به اسمی محمد خنیفر و ایمان اختری از نمایندگان مجمع کارگران به اطلاعات شوش احضار شدند. به گزارش منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران ایمان اختری امروز هفتم بهمن ماه در محل کار دیده شده است. اما محمد خنیفر بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است. این درحالیست که احضار کارگران به ستاد خبری

اداره اطلاعات شوش همچنان ادامه دارد.

جمهوری اسلامی با این احضارها و دستگیریها و چنگ و دندان نشان دادنها، خشم و نفرت همه کارگران و مردم را علیه خود شدت میدهد. اسماعیل بخشی نماینده محبوب کارگران به دلایل غیرقابل موجهی برای بار دوم در زندان نگه داشته شده است و بسیاری از خواستهای کارگران نیشکر هفت تپه پاسخ نگرفته است. این وضعیت بهیچ وجه از نظر کارگران و مردم



قابل قبول نیست. گستاخی حکومت منفور اسلامی سرمایه داران علیه کارگران نیشکر هفت تپه و ادامه زندانی کردن اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و علی نجاتی، و احضار و دستگیری اخیر نمایندگان کارگران تعرضات نفرت انگیز حکومت اسلامی سرمایه داران علیه همه کارگران است و با ادامه مبارزه و اعتراض و کارزارهای گسترده پاسخ خواهد گرفت. این تعرضات و از جمله مضحکه برپا کردن شورای اسلامی در این شرکت بروشنی وحشت حکومت از به میدان آمدن مجدد کارگران نیشکر هفت تپه را بازتاب میدهد.

حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکومیت بازداشت محمد خنیفر و احضار کارگران نیشکر هفت تپه و ایجاد فضای امنیتی در این شرکت، خواستار حمایت وسیع مردم شوش و تمامی بخش های جامعه از کارگران نیشکر هفت تپه است. با اعتصابات اختطاری در تمام مراکز کارگری، با تجمعات اعتراضی و اعتراض علیه ادامه بازداشت اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، علی نجاتی و دستگیری محمد خنیفر باید قاطعانه پاسخ سرکوبگری های حکومت اسلامی را داد.

مرگ بر جمهوری اسلامی سرمایه داران!

پیش بسوی ایجاد شوراها!

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ بهمن ۱۳۹۷، ۲۷ ژانویه ۲۰۱۹

استفان اسمیت دبیر کل اتحادیه کارگران دولتی و خدمات در کانادا خواستار آزادی اسماعیل بخشی و پایان دادن به خشونت علیه همه کارگران شد

روز پنجم بهمن ماه مسعود ارژنگ عضو کمپین برای آزادی کارگران زندانی در جلسه نشست مسئولین اتحادیه کارگران دولتی و خدمات در کانادا از مبارزات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه، تلاش این کارگران برای ایجاد شوراهایشان و ابعاد اجتماعی اعتراضات آنان و نقش برجسته اسماعیل بخشی رهبر محبوب این کارگران در این اعتراضات گزارش داد. او در گزارش خود همچنین شرح مختصری از ماجرای دستگیری اسماعیل بخشی، علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه و تعدادی دیگر از اعضای

اطلاعیه های حزب

از صفحه ۷

هیات نمایندگی شورای کارگران نیشکر هفت تپه و نیز بازداشت سپیده قلیان و غسل محمدی دو فعال دانشجویی و خبر نگاری که در جریان این مبارزات بازداشت شده بودند، به جلسه ارائه داد. مسعود ارژنگ سپس با اشاره به شکایت اسماعیل بخشی بعد از آزادی موقتش از شکنجه های درون زندان و شنود مکالمات خصوصی اش در خانه با همسرش و نیز از حمایت های وسیع اجتماعی از کیفرخواست وی علیه زندان و شکنجه، از دستگیری وحشیانه مجدد اسماعیل بخشی و سپیده قلیان بدنبال پخش مستند کنایی "طرحهای سوخته" در صدا و سیما جمهوری اسلامی خبر داد. مسعود ارژنگ برای حاضرین در جلسه توضیحاتی از این مستند که از "اعترافات" اسماعیل بخشی، علی نجاتی، سپیده قلیان و دیگر بازداشت شدگان در زیر شکنجه تهیه و فیلم برداری شده است، سخن گفت و خواستار محکوم کردن سرکوبگری های وحشیانه حکومت اسلامی و حمایت و پشتیبانی از اسماعیل بخشی، علی نجاتی، سپیده قلیان و کارگران در ایران شد. بدنبال این گزارش تکانهنده شرکت کنندگان در این نشست با برهائی که در آن خواست آزادی اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان نقش بسته بود و با شعار کارگران زندانی را آزاد کنید، حمایت و همبستگی خود را اعلام داشتند.

در این روز همچنین استغفار اسمیت دبیر کل این اتحادیه از جانب ۷۸۰۰۰ عضو این اتحادیه طی پیامی شکنجه و زندانی کردن این کارگران را شدیداً محکوم کرده و خواستار آزادی فوری اسماعیل بخشی و پایان دادن به خشونت به خشونت علیه همه کارگران شد.

اسماعیل بخشی، علی نجاتی، سپیده قلیان و همه کارگران زندانی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
shahla.Daneshfar2@gmail.com
<http://free-them-now.com>

۲۵ ژانویه ۲۰۱۹، ۵ بهمن ۹۷

جعفر عظیم زاده، پروین محمدی و همچنین اسماعیل بخشی و سپیده قلیان، اسماعیل عبدی و کلیه کارگران و معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند و همه پرونده های امنیتی مختومه اعلام شود.

این را با گسترش مبارزه و کارزارهای دفاع از کارگران زندانی در ایران و در سطح بین المللی به حکومت اسلامی تحمیل خواهیم کرد.

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

یادداشت های هفته ...

از صفحه ۶

های شصت سال پیش به اندازه کافی رسانه دارن که لنین لنین و چیز چیز کنن...."

.....

بزعم رضا پهلوی اپوزیسیون ۵۰، ۶۰ سال قبل برای دهکوره های راه ناشناخته هستند اما "فرشگرد" او که هنوز سر از تخم بیرون نیاورده رسوا شد گویا خیلی شناخته شده و "همزاد نسل جدید است" زور زدن رضا پهلوی و عصبانیتش در حسرت تاج و تخت ابدی ربطی به نسل جدید و قدیم ندارد. نسل جدید برای او همان مفهوم "فرشگرد" را دارد.

نسل دهه ۵۰، ۶۰ یکبار برای همیشه حکومت موروثی و ژنتیکی حاکم بر مردم را کنار زد و به تاریخ اشرافیت فئودال، تاج و تخت و ساواک پایان داد.

نسل جدید هم به اعتراف کاربدستان مرعوب شده نظام اسلامی خود را با کمونیسم و آرمانهای انسانی و مدرن تداعی میکنند.

رضا پهلوی باید دریافته باشد که این انقلابیون و کمونیستها و کارگران و مردم انقلاب کرده نبودند که مملکت را دو دستی تحویل خمینی دادند بلکه پدر او بود که در توافق و معامله با شرکت سران چند کشور اروپایی در گوادلوپ مملکت را در هراس از عرض اندام چپ و کمونیستها دو دستی تحویل خمینی دادند. شاه و خمینی در دشمنی با کمونیسم و چپ جامعه گوی سبقت را از همدیگر ربوده بودند.

نیازی نیست که رضا پهلوی امروز خود را بیخبر از تحولات سیاسی در انقلاب پنجاو هفت نشان دهد. او خوب میداند که خمینی و دارودسته اش الحق انتقام بزرگ کشیده شدن نظام پادشاهی را از همان انقلابیون، کارگران و پابرهنگ ها گرفتند.

خشم و عصبانیت او از فضای سیاسی و اعتراضی امروز جامعه ایران است که به چیزی جز یک زندگی انسانی و به چیزی جز سوسیالیسم و به آزادی، برابری رضایت نخواهند داد. فضای اعتراضی، چپ و باب شدن کمونیسم و سوسیالیسم خواهی را "الم شنگه" نام میگنارد. خشم و تنفرش از این فضا عمیقاً قابل درک است.

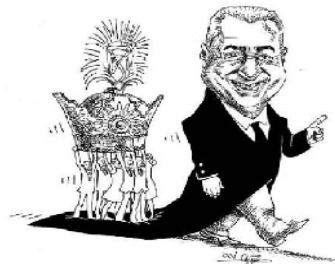
رضا پهلوی این فضا را از دیمه سال قبل و بویژه در جریان اعتصابات پرشور کارگری در ایران بو کشیده است و مطمئن شده است که آرزوهای دیرینه او بشمر نخواهد نشست. این داد و بیداد ها عصبانیتی در حسرت تاج و تخت و احیای نظام سرمایه داری شاهانه است که تاریخ مصرف آن گذشته و تعلق به دنیای امروز ندارد.

۹ بهمن ۹۷

چرا که میدانند با سرنگونی حکومت اسلامی و برقراری جامعه ای سوسیالیستی که حرمت، کرامت و رفاه و آزادی را به انسان بازمیگرداند، دکان قرون وسطایی جانوران اسلامی برای همیشه تعطیل خواهد شد.

۶ بهمن ۹۷
 ۲۶ ژانویه ۲۰۱۹

شاهزاده ای عصبانی در حسرت تاج و تخت



سخنان "گهربار" رضا پهلوی در رویای شاه شدن که فکر میکند ژنتیکی شاهزاده است او در خصوص اپوزیسیون چپ در جلسه اخیرش با اعضای فرشگرد دچار هذیان گویی شده و می گوید:

"مشکل اساسی به مفهوم اختلاف فاز نسلی (بالپوزیسیون) وجود دارد این ذهنیت (فرشگرد) باید بیاد جایگزین اون نسلی بشه که همچنان دارن سنگ ۵۰، ۶۰ سال پیش خودشون رو به سینه میزنن. اپوزیسیون به هیچ درد کار امروزمون نمیخورند. من ۳۴ سال صبر کردم، ۳۴ سال همین آقایون بودن در صحنه، گفتن که به شما خدشه وارد نشه، بشین عقب بذارین ما کارها را بکنیم مگر کم بهشون در پروژه شورای ملی میدان داده شد، مگر کم بهشون فرصت داده شد، مگر با تمام اینها (اپوزیسیون) یک دعوت عام نشد که بیان در قالب پروژه ملی شورای ملی. اونها یک عده دکان دار هستن، و کسانی هستند که اگر غیرت داشتن یا توانایی، مملکت را تحویل خمینی و دارودستهش نمیدادن. اپوزیسیون فکر میکردن قراره بشن وزیر، قراره بشن رئیس کل، و وقتی دیدن نشد و دکان هاشون داره تعطیل میشه الان دارن این الم شنگه را به پا میکنند در داخل کشور. از دهکوره های راه اگر بگیری اصلاً کسی اینها را میشناسه؟ اپوزیسیون واقع بین نیستن، رئالیست نیستن. چپی

دور نیست روزی که جمهوری اسلامی

به قدرت انقلاب و قیام ما مردم بزرگ کشیده شود.

نبرد نهائی در راه است. خود را برای این نبرد آماده کنیم!

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!